

تحلیل فضایی کیفیت زندگی در کانون‌های جرم‌خیز (مورد مطالعه: بخش

مرکزی شهر تهران)^۱

محسن کلانتری^۲، احمد پوراحمد^۳، یعقوب ابدالی^۴، سارا الله‌قلی‌پور^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰

از صفحه ۱ تا ۳۰

پژوهشنامه جغرافیای انسانی

سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۷

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، تحلیل فضایی کیفیت زندگی و بزهکاری در بافت‌های ناکارآمد شهری (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهر تهران) است. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و هدف از نوع کاربردی است. ابتدا با استفاده از داده‌های جرائم سرقت به کمک نرم‌افزار ArcGIS از طریق اکسترنشن تخمین تراکم کرنل، کانون‌های جرم‌خیز مشخص، سپس از بین جامعه آماری (۴۰۰) پرسش‌نامه به شیوه تصادفی در کانون‌های جرم‌خیز به صورت فضایی تکمیل شد و با استفاده از رگرسیون وزنی جغرافیایی (GWR) در محیط ArcGIS به تأثیر و اثرگذاری جرم بر سطح کیفیت زندگی ساکنین کانون‌های جرم‌خیز پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که سطح کیفیت زندگی در کانون‌های جرم‌خیز با توجه به مقدار آماره آزمون T تک نمونه‌ای برابر با (۱۹/۱-)، درجه آزادی (۳۹۹)، سطح معناداری (۰/۰۰۰) و مقایسه این سطح معناداری با (۰/۰۵) پایین است. همچنین روند الگوی رگرسیون فضایی در تعیین توزیع الگوی جرم و تأثیر آن بر کل ابعاد کیفیت زندگی در بخش مرکزی شهر تهران نشان می‌دهد که خروجی پارامترهای مدل رگرسیون وزنی جغرافیایی به میزان بالایی پیش‌بینی موردنظر را تأیید می‌کند. در این بین با توجه به ضریب بالای R^2 (۰/۸۶) می‌توان گفت جرم بر کل ابعاد کیفیت زندگی محدوده مورد مطالعه تأثیر زیادی داشته است و باعث پایین آمدن سطح کیفیت زندگی در کانون‌های جرم‌خیز شده است.

کلید واژه‌ها: تحلیل فضایی، کیفیت زندگی، بزهکاری، بخش مرکزی تهران.

۱- برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «تحلیل فضایی کیفیت زندگی و بزهکاری در بافت‌های ناکارآمد شهری؛ مورد مطالعه: بخش مرکزی تهران (مناطق ۱۱ و ۱۲)»، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.

۲- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان، (نویسنده مسئول)، mohsenkalantari@znu.ac.ir.

۳- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران.

۴- دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.

۵- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.

بیان مسئله

با گسترش فیزیکی و اجتماعی شهرها و تبدیل شدن آن‌ها به مراکز ناهمگن جمعیتی و اجتماعی و فرهنگی، افزایش میزان ناهنجاری‌های شهری به‌ویژه در نواحی مرکزی و همچنین افزایش ناهمگنی جمعیتی و اجتماعی و فقر اقتصادی زمینه بروز آسیب‌های شهری و رشد بی‌رویه و لجام‌گسیخته ناهنجاری‌ها را در شهرها فراهم آورده است. از این‌رو فضای جغرافیایی، محیط زندگی انسان و فعالیت‌های او به شمار می‌رود و جرائم به‌عنوان عامل مخرب اجتماعی از سوی انسان در این فضاها صورت می‌گیرد. از جمله نمود جرائم در فضاهای شهری که کیفیت زندگی و احساس امنیت شهروندان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد وقوع جرائم مرتبط با سرقت است (ابدالی، ۱۳۹۶: ۱). یکی از موضوعاتی که امروزه مورد توجه فراوان جامعه‌شناسان و جغرافیدانان قرار گرفته، موضوع امنیت به‌ویژه در نقاط شهری است. در حالی که عموماً نقاط شهری بیش از سایر نقاط به لحاظ کمی و کیفی در حال تغییر می‌باشند، بسیاری از شهروندان در این نقاط با چالش‌ها و نابسامانی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی نیز روبه‌رو هستند (گوان، ۲۰۱۲). در چنین شرایطی از طریق مطالعات جامعه‌شناختی و به‌کارگیری این‌گونه مضامین امنیت انسانی را هر چه بیشتر می‌توان فراهم و تقویت کرد. امنیت انسانی امروزه موجبات نگرانی بسیاری از جوامع رو به توسعه از جمله منطقه آسیا را فراهم آورده است. مسائل و چالش‌هایی که در منطقه به چشم می‌خورد، در نقاط شهری با شدت بیشتری در حال گسترش است که خود ضمن تأثیر بر کیفیت زندگی، نیاز به مطالعه جامعه‌شناختی دارد. بررسی امنیت انسانی خود در قالب مجموعه‌ای از رویکردهای بین‌رشته‌ای صورت می‌گیرد، و این خود دربرگیرنده بسیاری از نقاط یا موارد تهدید با تأکید بر نقاط شهری است. امروزه اقدامات اجتماعی به کار گرفته می‌شود تا امنیت انسانی را هر چه بیشتر بتوان تأمین کرده و بین شهروندان گسترش داد (ابدالی، ۱۳۹۶: ۲).

شناسایی کانون‌های جرم‌خیز و بررسی مشخصات کالبدی و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنین و نوع کاربری اراضی مؤثر در بروز ناهنجاری‌ها بسیار

اهمیت یافته است تا با ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل‌کننده فرصت‌های جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر بزهکاری امکان پیشگیری و مقابله با جرائم شهری فراهم شود و در مقابل به افزایش سطح کیفیت زندگی ساکنان این محدوده‌ها کمک نمود. در بین شهرهای کشور، شهر تهران به‌عنوان پایتخت کشور و بزرگ‌ترین کلان‌شهر ایران به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری و کارکردی و شرایط خاص کالبدی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر آن، با نرخ بالای ناهنجاری‌های اجتماعی مواجه است. به عبارتی یکی از مهم‌ترین مشکلات تهران در حال حاضر میزان بسیار بالای جرم و جنایت و ناهنجاری‌های اجتماعی در این شهر است. جالب اینکه، میزان جرائم ارتكابی در بخش مرکزی شهر تهران - که به‌طور تقریبی بر مناطق (۱۱) و (۱۲) شهرداری تهران منطبق است و به تهران عهد ناصری شهرت دارد - بسیار بیش از سایر مناطق آن است. شاهد و گواه این امر آمار و اطلاعات انتظامی و پژوهشی است که در سال (۱۳۸۰) توسط محسن کلانتری تحت عنوان «بررسی جغرافیای جرم و جنایت در مناطق شهر تهران» انجام گرفت. این مطالعه نشان داد تراکم نسبی جرم در بخش مرکزی شهر تهران هفت مرتبه بیشتر از بخش‌های دیگر آن می‌باشد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۳۱۰؛ ابدالی، ۱۳۹۶: ۶).

اهداف پژوهش

در پژوهش حاضر سعی شده تا ضمن بررسی سطح کیفیت زندگی در مناطق (۱۱) و (۱۲) شهر تهران، تأثیر کانون‌های جرم‌خیز و جرائم بر سطح کیفیت زندگی مورد بررسی قرار گیرد. در واقع در این پژوهش نیل به اهداف زیر مدنظر است:

- دستیابی به مناسب‌ترین پیشنهادهای اصلاحی و الگوهای محیطی برای کاهش میزان جرائم و افزایش سطح کیفیت زندگی در بخش مرکزی شهر تهران.
- آشنایی با سطح کیفیت زندگی ساکنین کانون‌های جرم‌خیز بخش مرکزی شهر تهران و سنجش تأثیرگذاری جرائم مرتبط با سرقت بر سطح کیفیت زندگی ساکنین این بخش از شهر (به‌خصوص ساکنین کانون‌های جرم‌خیز) با استفاده از رگرسیون وزنی جغرافیایی.

پیشینه پژوهش

سابقه پژوهش در زمینه جغرافیای جرم را به کارهای اولیه اکولوژیست‌های فرانسه «کتله و گری»^۱ در نیمه اول قرن (۱۹) نسبت می‌دهند که برای نخستین بار بررسی‌های مبتنی بر اصول و روش‌های آماری پیرامون محیط جغرافیایی و جرم، در پژوهش‌های این دو اکولوژیست متولد شد (شکویی، ۱۳۹۱: ۴۵؛ کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۴). آغاز بروز نظریه‌ها در خصوص افزایش امنیت در شهرها با توجه به محیط را می‌توان از دهه ۶۰ به بعد میلادی در آمریکا دانست. خانم جین جاکوبز^۲ نخستین کسی است که در سال (۱۹۶۱) در اثر خود تحت عنوان «مرگ و حیات شهرهای بزرگ آمریکایی» به این موضوع پرداخت، او معتقد بود نظارت معمولی شهروندان به قابلیت حیات شهر کمک می‌کند و با طراحی و برنامه‌ریزی مناسب شهری می‌توان امکان کنترل اجتماعی برای پیشگیری از جرم و جنایت را فراهم کرد. به عقیده جفری، این جاکوبز بود که نخستین جرقه‌های مربوط به چگونگی ارتباط شرایط محیطی با پیشگیری از جرم را بیان کرد (ابدالی، ۱۳۹۶: ۷۸). در سال (۱۹۶۹)، جفری^۳ اولین کسی بود که عبارت پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۴ را به کار برد. او به برنامه‌ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به‌منظور کنترل و پیشگیری از جرم و جنایت تأکید داشت. به نظر او مراقبت‌های طبیعی شهروندان و طراحی اصولی و صحیح ساختمان‌ها و فضاهای شهری عامل مهم کنترل جرائم شهری است. «کتاب فضای مقاوم» نوشته اسکار نیومن^۵ نیز در شکل‌گیری این نگرش تأثیر و نفوذ ویژه‌ای داشته است (جیسون و ویلسون^۶، ۱۳۸۷: ۲۲). هیپ و کین^۷ (۲۰۱۷)، در پژوهش خود تحت عنوان تغییر در سطح جرم بین شهرهای کوچک و بزرگ به این نتیجه رسیدند که با افزایش نابرابری درآمد و ناهمگونی نژادی و قومی، جرم نیز افزایش می‌یابد و این نابرابری در شهرهای بزرگ بیشتر به چشم می‌آید. در ایران نیز علاوه بر ترجمه بخشی از مطالعات صورت گرفته دیگر کشورها مطالعاتی نیز انجام گرفته است که از جمله

1- Quetelet & Guerry

2- Jacobs.J

3- Jeffery.C.R

4- CPTED

5- Newman. O

6- Jason & Wilson

7- Hipp & Kane

مطالعات متأخر می‌توان به یافته‌های پژوهش کلانتری و همکاران در سال (۱۳۸۹) اشاره کرد. این پژوهش نشان می‌دهد که از جمله دیدگاه‌های مطرح در زمینه تحلیل و تبیین رابطه مکان و بزهکاری، نگرش پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی است. مطابق این نگرش می‌توان با اصلاح نوع طراحی واحدهای مسکونی و با در نظر گرفتن محله‌های هم‌جوار آن، از ارتکاب جرائم علیه اموال پیشگیری کرد. زیاری و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی فضاهای بی‌دفاع شهری در سطح محله (مورد مطالعه: محله هرندی تهران)» به این نتیجه رسیدند که بین بلوک‌های مختلف محله از نظر بی‌دفاع بودن فضاها تفاوت زیادی وجود دارد. همچنین نتایج پهنه‌بندی محله هرندی از نظر فضاهای بی‌دفاع حاکی از منطبق بودن بی‌دفاع‌ترین بلوک، محله پارک هرندی و فضاهای اطراف آن می‌باشد (بلوک ۱۶).

پژوهشگران زیادی از رشته‌های متفاوت علمی، مفهوم کیفیت زندگی را از دهه (۱۹۳۰) تاکنون مطالعه کرده‌اند. پژوهش‌ها و تلاش‌های اولیه در زمینه کیفیت زندگی شهری و شاخص‌های آن، از طرف دانش‌پژوهان جهان غرب که در رشته‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مشغول فعالیت بوده‌اند آغاز شده است و سعی در یافتن شاخص‌ها و محورهایی در ارتباط با میزان سلامت و بهره‌مندی‌های اجتماعی و روانی افراد ساکن در شهرها داشته‌اند (آلن‌گین^۱ و همکاران، ۲۰۰۱: ۳۶۱). مک کری^۲ و همکاران (۲۰۰۶)، در پژوهش خود با عنوان «میزان ارتباط بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری، در جنوب شرقی کوئیزلند»، به دنبال تدوین روش جدیدی در سنجش کیفیت زندگی شهری، قدرت روابط بین شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه ضعیفی میان شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی وجود دارد و برای برنامه‌ریزی مطلوب در زمینه کیفیت زندگی این دو شاخص (ذهنی و عینی) باید به صورت مستمر مورد توجه قرار گیرند. متیو و ساریجش^۳ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر گردشگری مسئولانه بر پایداری و کیفیت زندگی در مقصدهای گردشگری» به تأثیر گردشگری بر کیفیت زندگی جوامع مقصد گردشگری پرداخته‌اند. طبق نظرسنجی که از طریق پرسش‌نامه از

1- Ulengin

2- McCrea

3- Mathew & Sreejesh

(۴۳۲) نفر ساکن در (۳) مقصد گردشگری در هند انجام شد، این نتیجه حاصل گردید که ساکنان جوامع محلی، به‌عنوان مسئول درک گردشگری نقش مهمی در فرمول‌پایداری که به‌نوبه خود بر کیفیت زندگی تأثیرگذار است، دارند. بنا بر یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهایی نیز برای موفقیت مدیریت کسب‌وکارهای گردشگری و همچنین پایداری جامعه و رفاه آن‌ها دارند. فرجی ملایی (۱۳۸۹)، در پایان‌نامه خود تحت عنوان «تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی و برنامه‌ریزی برای بهبود آن مورد مطالعه: شهر بابلسر» به بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در این شهر پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میان محلات مختلف شهر بابلسر از نظر شاخص‌های کیفیت زندگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و به‌طور کلی محلات مرزی شهر بابلسر نسبت به محلات داخلی شهر از سطح کیفیت زندگی پایین‌تری برخوردار می‌باشند. حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مکانی شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر تهران»، نتایج تحلیل اکتشافی داده‌های مکانی، بیانگر وجود خوشه‌بندی (خودهمبستگی مکانی مثبت) و ناهمگنی فضایی در توزیع شاخص کیفیت زندگی و مؤلفه‌های چهارگانه آن در سطح نواحی شهر تهران است. تحلیل اکتشافی داده‌های مکانی برخی از نواحی که نیاز بیشتری به مداخله عمومی دارند مانند تدارک برنامه‌های اجتماعی و زیرساخت‌های عمومی را برجسته ساخته و سیاست‌گذاران را به‌منظور کاهش نابرابری‌های درون‌شهری هدایت می‌کند.

مبانی نظری پژوهش

کیفیت ذهنی زندگی

کیفیت ذهنی زندگی، ادراک مردم از وضعیت زندگی‌شان را منعکس می‌سازد و با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. شاخص‌های ذهنی بر اساس چگونگی درک و توصیف مردم از وضع خود استوار می‌باشند و برای ارزیابی افراد از وضعیت عینی زندگی استفاده می‌شوند (داس^۱، ۲۰۰۸). این شاخص‌ها از پیمایش ادراک، رضایت و ارزیابی شهروندان از زندگی‌شان به دست می‌آیند. شاخص‌های ذهنی سطح رضایت ابرازشده توسط افراد و گروه‌ها را که در اصطلاح بهزیستی ذهنی نامیده می‌شود، ارزیابی

1- Das

می‌کند (کاستانزا^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). این شاخص‌ها مبتنی بر گزارش‌های شخصی افراد از ادراکاتشان در مورد جنبه‌های مختلف زندگی است و میزان رضایت افراد و گروه‌ها را از تأمین نیازهایشان مورد بررسی قرار می‌دهند. این شاخص‌ها که مکمل متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی می‌باشند، ادراکات و ارزشیابی‌های افراد، از وضعیت عینی و ملموس زندگی‌شان را نمایش می‌دهد. کیفیت ذهنی زندگی اغلب با استفاده از مقیاس لیکرت اندازه‌گیری می‌شود، اگرچه به‌طور معمول دامنه معینی برای این کار وجود ندارد. به‌عنوان مثال، فو^۲ (۲۰۰۰)، از طیف لیکرت پنج مقیاسی با دامنه‌ای از خیلی ناراضی تا خیلی راضی استفاده کرده است، در حالی که بررتون^۳ و همکاران (۲۰۰۸)، از طیف لیکرت هفت مقیاسی استفاده کرده‌اند (فو، ۲۰۰۰؛ بررتون و همکاران، ۲۰۰۸).

کیفیت عینی زندگی

کیفیت عینی زندگی، شرایط خارجی زندگی به‌عنوان مثال سطح تحصیلات و نرخ جرم و جنایت را نمایش می‌دهد (داس، ۲۰۰۸). کیفیت عینی زندگی با استفاده از شاخص‌های عینی که مرتبط با واقعیت‌های قابل مشاهده زندگی و مستخرج از داده‌های ثانویه هستند، اندازه‌گیری می‌شود. مثال‌هایی از داده‌های ثانویه شامل تراکم جمعیت، نرخ جرم و جنایت، سطوح آموزشی و خصوصیات خانوار است. شاخص‌های عینی، محیط‌های زندگی و کار افراد و گروه‌ها را توصیف می‌کنند، مثل امکانات آموزشی، بهداشتی، تسهیلات فراغت، مسکن و غیره (لیو و زو^۴، ۲۰۰۴). فو اظهار می‌کند که شاخص‌های عینی به‌تنهایی نمی‌توانند کیفیت واقعی زندگی را نمایش دهند، زیرا این شاخص‌ها دارای پایایی بالا، اما قابلیت اطمینان پایین در ارزیابی بهزیستی انسانی هستند (سیک^۵، ۲۰۰۰).

رابطه بین کیفیت ذهنی و عینی زندگی

ادراک ذهنی افراد از بهزیستی، اغلب به‌وسیله تجاربشان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بسیاری از عوامل از قبیل، ویژگی‌های اجتماعی مانند سن، درآمد، تحصیلات و سلامت

1- Costanza
2- Foo
3- Brereton
4- Liu & Zhu
5- Seik

بین جهان عینی و ارزیابی ذهنی از آن دخالت می‌کنند، و این‌ها ممکن است به صورت پالایه‌هایی برای تغییر شکل دادن شرایط عینی عمل کنند. هم‌چنین تجربه فردی یک عامل کلیدی است که بر ادراک فرد از یک قلمرو ویژه تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، فردی که قربانی یک جنایت بوده، این عمل دارای تأثیر عمیق و ماندنی بر روی ادراک فردی وی از امنیت در آن محل است که ممکن است بسیار متفاوت با نرخ جرم و جنایتی باشد که در آن محل به‌وسیله شاخص‌های عینی اندازه‌گیری شده است. عامل دیگری که می‌تواند در رابطه عینی-ذهنی مهم باشد، سطح انتظارات و توقعات فردی است. پایین بودن سطح انتظارات باعث به وجود آمدن رضایتمندی به نسبت بالای اظهارشده به‌وسیله فردی که موقعیت عینی‌اش تقریباً ضعیف است، می‌شود. تصور انطباق عامل دیگری است که می‌تواند رابطه بین شرایط عینی و ذهنی را تحت تأثیر قرار دهد. اینگلهارت می‌گوید، آرزوها به‌طور طبیعی با وضعیت فرد تطابق می‌یابند و از این طریق سطح رضایت فرد افزایش می‌یابد. به نظر وی رضایت ذهنی از هر جنبه خاص زندگی بازتاب شکاف بین سطح آرزوهای او و وضعیت عینی وی است؛ اما سطوح آرزوهای فرد به‌تدریج با وضعیت او تطابق می‌یابد. از عوامل دیگری که در رابطه بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی دخالت می‌کند، زمینه فرهنگی افراد است، که استاندارد مقایسه را در مقابل شرایط عینی اندازه‌گیری شده، تولید می‌کند. از این‌رو، وجود چالش‌های جدی برحسب قانون، شاخص‌ها و مقیاس جمع‌آوری اطلاعات، ترکیب ابعاد عینی و ذهنی را مشکل می‌سازند (ابدالی، ۱۳۹۶: ۳۰؛ برامستون^۱ و همکاران، ۲۰۰۲؛ مک‌کری و همکاران، ۲۰۰۶ و داس، ۲۰۰۸).

تحلیل فضایی و زمانی کانون‌های جرم

اصطلاح مکان‌های جرم‌خیز یا کانون‌های جرم‌خیز بیانگر یک مکان با میزان بالای بزهکاری است. محدوده این مکان بخشی از شهر، یک محله کوچک، یا چند خیابان مجاور یکدیگر و حتی ممکن است یک‌خانه یا مجتمع مسکونی باشد. تعریفی دیگر، این اصطلاح را معادل مکان‌های کوچک با تعداد جرم زیاد قابل پیش‌بینی، حداقل در یک دوره زمانی یک‌ساله دانسته است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۵). سابقه شناسایی و تحلیل محدوده‌های جرم‌خیز شهری به‌عنوان رویکردی علمی به دهه (۱۹۸۰) میلادی

1- Bramston

بازمی‌گردد و از جمله مفاهیمی است که طی (۱۵) سال اخیر در بین تحلیلگران جرائم شهری اهمیت بسیار یافته است و امروزه به‌عنوان دستاوردی معتبر برای مقابله با انحرافات اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم مطرح است (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶: ۸۰). به نظر می‌رسد ایده‌های اولیه بررسی محدوده‌های جرم‌خیز شهری در نتیجه ترسیم نقشه‌های پونزی^۱ که تهیه آن در ادارات پلیس به شیوه دستی از حدود ۲۰۰ سال پیش مرسوم شده است، شکل گرفته باشد. از آنجاکه توزیع جرائم در محدوده جغرافیایی تابعی از شرایط مکانی محل وقوع بزه، عامل زمان، انگیزه و توانایی بزهکار و نحوه پراکنش اهداف مجرمانه است، بنابراین نشان دادن وقایع مجرمانه بر روی نقشه شهرها با پونز یا علائم رنگی این نتیجه را دربر داشت که توزیع بزهکاری به تمرکز و تراکم در محدوده‌ای خاص و بعضاً بخش‌های کوچکی از سطح شهر گرایش دارد، یا این توزیع پراکنده است و از الگویی خاص پیروی نمی‌کند. اگرچه حدس فوق دور از واقعیت به نظر نمی‌رسید و احتمالاً طی (۱۰۰) سال اخیر تحلیل‌های ساده محدوده‌های جرم‌خیز شهری به‌وسیله پژوهشگران جرائم شهری یا افسران پلیس صورت گرفته است و طی (۳۰) سال گذشته افرادی چون برانتینگهام^۲ (۱۹۷۵) و (۱۹۸۱)، کرو^۳ (۱۹۷۵)، ابی و هریس^۴ (۱۹۸۰) و پریش^۵ (۱۹۸۶) در آثار و نوشته‌های خود با ورود به بحث تراکم بزهکاری در محدوده‌های خاص شهری، تحلیل محدوده‌های جرم‌خیز را مطرح ساختند (ویزبرد^۶ و همکاران، ۲۰۰۴: ۳۴). لیکن به‌طور مشخص پژوهش در این زمینه را «شرمن»^۷، «گارتین» و «برگر» در سال (۱۹۸۹) انجام دادند و برای نخستین بار واژه کانون‌های جرم‌خیز توسط ایشان مطرح شد. شرمن و همکاران (۱۹۸۹)، در مطالعه شهر «میناپولیس»^۸ دریافتند (۵۰٪) تماس‌های تلفنی با پلیس تنها از (۳،۳٪) کانون‌های شهری انجام گرفته است (شرمن و همکاران، ۱۹۸۹: ۳۷). از آن‌پس پژوهش شرمن و همکاران او، و نتیجه قابل‌تأمل پژوهش آن‌ها مورد توجه سایر پژوهشگران قرار گرفت و

-
- 1- Pin Maps
 - 2- Brantingham
 - 3- Crow
 - 4- Abeyie and Harries
 - 5- Parish
 - 6- Weisburd
 - 7- Sherman
 - 8- Minneapolis

موجب شد تا پژوهش‌های زیادی در مورد شهرهای دیگر جهان و به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته صورت گیرد که تمامی این پژوهش‌ها نتایج مشابهی در برداشت و مطالعه کانون‌های جرم‌خیز شرمین و همکارانش را تأیید کرد. این پژوهش‌ها نشان داد تعداد عمده‌ای از جرائم تنها در مکان‌های معینی از شهر تمرکز می‌یابد. از جمله پیش‌تازان پژوهش در زمینه محدوده‌های جرم‌خیز شهری، اداره پلیس شهر نیویورک است که به‌طور سامانمند رویکرد فوق را در تحلیل بزهکاری و در برنامه‌ریزی‌های راهبردی برای کاهش بزهکاری به کار گرفته است (براتون و نونبلر، ۲۰۰۹: ۴۵). در سال (۲۰۰۴) راتکلیف^۱، در پژوهشی فنونی را برای شناخت ترکیب فضایی و زمان کانون‌های جرم‌خیز و تحلیل زمانی و مکانی کانون‌های جرم‌خیز استفاده نمود. پژوهش‌های وی به فرماندهان پلیس کمک کرد تا برای مقابله با بزهکاری و تعیین یک راهبرد مناسب برای پیشگیری از جرم اقدام نماید. به نظر وی مهم‌ترین الگوهای فضایی- زمانی کانون‌های جرم‌خیز به شرح زیر است:

الگوهای فضایی بزهکاری

الگوی پراکنده^۳: در این الگو، مکان‌های وقوع جرم در سرتاسر محدوده گسترده شده‌اند و خوشه‌ای یا متمرکز نیستند. برای مثال وضعیت خانه‌هایی که در سرتاسر محدوده مورد سرقت واقع شده‌اند که به سبب ویژگی‌های طراحی نامرغوب و نادرست این مکان‌هاست، رخدادهای داخل کانون خوشه‌ای نیست، در نتیجه همان ویژگی آسیب‌پذیری را نیز در آینده دارند.

الگوی خوشه‌ای^۴: این الگو کانون را به‌صورت خوشه‌ای در یک یا چند فضای ویژه در داخل محدوده کانون به وجود می‌آورد. برای مثال می‌توان پایانه‌ها، پایانه‌های مسافری و یا استادیوم‌های ورزشی را ذکر نمود که ممکن است کانون شماری از جرائم مرتبط با وسایل نقلیه باشد.

1- Bratton & Knobler

2- Ratcliffe

3- Dispersed

4- Clustered

الگوی نقطه‌ای^۱: این الگوی ویژه از کانون جرم‌خیز بر یک مکان خاص انطباق می‌یابد. برای مثال یک پارکینگ در یک مرکز خرید واقع در مرکز شهری شلوغ از این نوع است که همه رخداد‌های بزهکاری در یک مکان ویژه به وجود می‌آیند (راتکلیف، ۲۰۰۴). شکل شماره (۱) سه نوع الگوی توزیع فضایی بزهکاری را نمایش می‌دهد.



شکل شماره (۱). سه نوع الگوی پراکنش فضایی بزهکاری (راتکلیف، ۲۰۰۴).

الگوهای زمانی بزهکاری

الگوی پراکنده^۲: در این الگو که رویداد‌های بزهکاری در طول ۲۴ ساعت شبانه‌روز اتفاق می‌افتد و محدوده زمانی رویدادها وسیع است، امکان تشخیص هیچ تمرکزی از فعالیت‌های بزهکاری در بستر زمان وجود ندارد. این کانون‌ها اوج و فرودی ندارند و چندان از دید پیشگیری جرم مهم و سودمند نیستند.

الگوی کانونی^۳: این نوع از کانون جرم‌خیزی می‌تواند در سراسر روز اتفاق بیفتد، اما هنگامی است که فعالیت درخور توجه بیشتری نسبت به سایر مواقع وجود دارد، تشخیص اهمیت آماری آن به لحاظ حجم بزهکاری برای کاهش بزهکاری سودمند است. از سوی دیگر، یک کارشناس پلیس در آزمایش یک الگوی جرم ممکن است به تشخیص زمان اوج بزهکاری در مدت بیش از (۳) ساعت برسد که به اندازه کافی قدرت تشخیص برای قرارگیری نیروهای اضافی در آن زمان داشته باشد.

الگوی بحرانی^۴: این گروه از کانون‌های جرم‌خیز نادر هستند و فعالیت‌های بزهکارانه در مدت‌زمان کمی محدود شده است، با اینکه به‌طور تقریبی فعالیت مجرمانه در برخی دوره‌های زمانی خاص است، این بدان معنی نیست که برخی رویدادها نمی‌توانند در

1- Hotpoint
2- Diffused
3- Focused
4- Acute

سایر زمان‌ها اتفاق بیفتند (راتکلیف، ۲۰۰۴). شکل شماره (۲) سه نوع از کانون‌های جرم‌خیز زمانی را نشان می‌دهد.



شکل شماره (۲). سه نوع از کانون‌های جرم‌خیز زمانی (راتکلیف، ۲۰۰۴).

روش پژوهش

در اینجا روش پژوهش با توجه به مسئله و موضوع آن، توصیفی-تحلیلی و هدف آن از نوع کاربردی است. جهت تشریح وضع موجود، سطح کیفیت زندگی و میزان بزهکاری بخش مرکزی شهر تهران از روش توصیفی و جهت تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم‌افزارهای SPSS، Arc GIS و Excel استفاده شده است. همچنین برای درک بهتر کانون‌های جرم‌خیز با استفاده از داده‌های پرسشنامه که از کانون‌های جرم‌خیز و در حوزه‌های آماری موجود در این کانون‌ها به صورت فضایی برداشت شده و جهت به دست آوردن تأثیر جرم بر کیفیت زندگی نقشه رگرسیون وزنی جغرافیایی برای هر یک از شاخص‌های کیفیت زندگی تهیه شده است.

در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران^۱ به تعیین حجم نمونه اقدام کرده‌ایم. حجم نمونه مورد نیاز برای جامعه آماری به تعداد (۵۲۹۶۰۴) نفر (مجموع جمعیت مناطق (۱۱) و (۱۲))، با مشخصات زیر، (۳۸۴) نفر خواهد بود که برای روایی بیشتر به (۴۰۰) نفر افزایش یافته است (رابطه ۱) (حافظنیا، ۱۳۸۹: ۷۵).

برای تعیین اینکه چه مقدار پرسشنامه در هر یک از مناطق (۱۱) و (۱۲) توزیع شود و نیز جهت دقت هرچه بیشتر و توازن پرسشنامه با توجه به حجم جمعیت هر کدام از دو

۱- Cochran, $N = \frac{t^2 pq}{d^2}$, $N = \frac{1.96^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2} = 384 \approx 400$

منطقه، با استفاده از (رابطه ۲) ^۱ میزان توزیع پرسشنامه در مناطق (۱۱) و (۱۲) به دست می‌آید، به این ترتیب با توجه به نسبت جمعیت مناطق به کل جمعیت محدوده مورد مطالعه، تعداد (۲۱۸) نفر در منطقه (۱۱) و تعداد (۱۸۲) نفر در منطقه (۱۲) مورد پرسش قرار گرفته‌اند.

قلمرو پژوهش

محدوده بخش مرکزی که به چهار میدان اصلی انقلاب، امام خمینی، خراسان و راه‌آهن منتهی می‌شود با جمعیتی حدود (۵۲۹۶۰۴) - طبق آمار سال (۱۳۹۰) - (۶۰۵٪) از کل جمعیت شهر تهران را به خود اختصاص داده است. لازم به ذکر است به دلیل عدم دسترسی به بلوک‌هایی آماری سال (۱۳۹۵)، در این پژوهش آمار سال (۱۳۹۰) مورد استناد قرار گرفته است. این بخش از شهر وسعتی در حدود (۲۷۹۰) هکتار معادل (۳،۹۴٪) مساحت کل شهر تهران را دارا است. بررسی میزان تراکم نسبی جمعیت بخش مرکزی نشان می‌دهد که در این محدوده تعداد (۱۹۰) نفر در هر هکتار سکونت دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). بخش مرکزی شهر تهران از نظر تقسیمات شهری ارائه شده در طرح تفصیلی، مناطق (۱۱) و (۱۲) شهر تهران را دربر می‌گیرد. منطقه (۱۲) دارای بافتی قدیمی‌تر از منطقه (۱۱) است و هسته اولیه شهر تهران در این منطقه شکل گرفته و به پیرامون گسترش یافته است. بعد از این، قدیمی‌ترین منطقه شهر از لحاظ فضایی - کالبدی و بافت‌های تاریخی منطقه (۱۱) است (روحی، ۱۳۸۱: ۸۷-۸۸). در نقشه شماره (۱) محدوده بخش مرکزی شهر تهران به تصویر کشیده شده است.

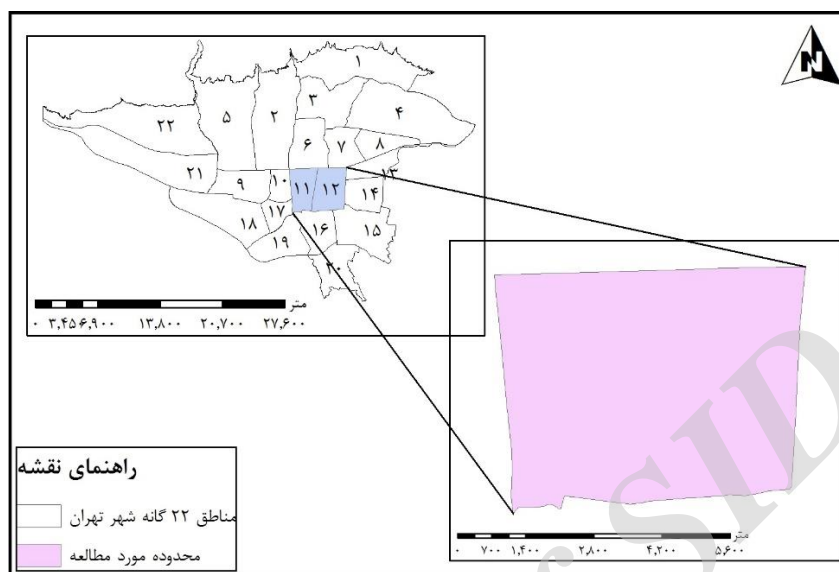
جمعیت منطقه* 400

تعداد پرسشنامه مورد نیاز در منطقه مورد نظر - جمعیت کل محدوده مورد مطالعه

$$= \frac{400 \times 288884}{529604} = 218$$

$$= \frac{400 \times 240720}{529604} = 182$$

تعداد پرسشنامه مورد نیاز در منطقه ۱۲



نقشه شماره (۱). محدوده مورد مطالعه

یافته‌های پژوهش

مشخصات پاسخگویان

وضعیت سنی: برای بررسی وضعیت سنی شرکت‌کنندگان در پژوهش از (۵) گویه (۱۵-۲۵)، (۲۵-۳۵)، (۳۵-۴۵)، (۴۵-۵۵) و بیشتر از (۵۵) استفاده شده است. بیشتر شرکت‌کنندگان در پژوهش بین (۱۵ تا ۲۵) سال می‌باشند. در واقع می‌توان گفت (۶۰٪) از پاسخ‌دهندگان را افراد جوان و در بازه سنی (۱۵-۳۵) سال، (۱۴۰٫۸٪) را (۳۵-۴۵)، (۸٫۵٪) افراد را (۴۵-۵۵) و (۱۰٫۳٪) از پاسخ‌دهندگان را افراد بالای (۵۵) سال تشکیل می‌دهند. آمار جدول شماره (۱) گویای این امر است که بیشتر جمعیت مناطق (۱۱) و (۱۲) جوان هستند و دارای تحرک بالایی می‌باشند.

جدول شماره (۱). وضعیت سنی پاسخ‌گویان

سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱۵-۲۵	۱۵۲	۳۸	۳۸
۲۵-۳۵	۸۸	۲۲	۶۰
۳۵-۴۵	۵۹	۱۴٫۸	۷۴٫۸
۴۵-۵۵	۳۴	۸٫۵	۸۳٫۳

سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بیشتر از ۵۵ سال	۵	۱,۳	۸۴,۶
بی‌پاسخ	۶۳	۱۵,۵	۱۰۰
مجموع	۴۰۰	۱۰۰	

وضعیت جنسی: از تعداد (۴۰۰) نفر شرکت‌کننده در پژوهش (۷۲,۳٪) افراد مرد و (۲۶,۸٪) پاسخ‌دهندگان زن می‌باشند. در جدول شماره (۲) وضعیت جنسی پاسخ‌گویان را مشاهده می‌کنید.

جدول شماره (۲). وضعیت جنسی پاسخ‌دهندگان

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مرد	۲۸۹	۷۲,۳	۷۲,۳
زن	۱۰۷	۲۶,۸	۹۹,۱
بی‌پاسخ	۴	۱	۱۰۰
مجموع	۴۰۰	۱۰۰	

وضعیت تأهل: همان‌طور که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد (۵۹,۳٪) از پاسخ‌گویان مجرد و (۳۸,۸٪) نیز متأهل می‌باشند. این آمار بیانگر این مطلب است که بافت‌های ناکارآمد و فرسوده محلی برای اسکان مجردان و جوانان تک‌خانواری شده است.

جدول شماره (۳). وضعیت تأهل پاسخ‌گویان

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مجرد	۲۳۷	۵۹,۳	۵۹,۳
متأهل	۱۵۵	۳۸,۸	۹۸,۱
بی‌پاسخ	۸	۱,۹	۱۰۰
مجموع	۴۰۰	۱۰۰	

نوع مسکن: همچنین داده‌های مربوط به نوع مسکن شرکت‌کنندگان در پژوهش از (۳) گویه ملکی، اجاره‌ای و رهنی تشکیل شده است. به ترتیب (۴۱,۵٪) آن‌ها دارای مسکن اجاره‌ای، (۴۱٪) مسکن ملکی و (۹٪) آن‌ها دارای مسکن رهنی بوده‌اند. جدول شماره (۴) وضعیت نوع مالکیت مسکن را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۴). وضعیت مسکن

نوع مسکن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
ملکی	۱۶۴	۴۱	۴۱
اجاره‌ای	۱۶۶	۴۱٫۵	۸۲٫۵
رهنی	۳۶	۹	۹۱٫۵
بی‌پاسخ	۳۴	۸٫۵	۱۰۰
مجموع	۴۰۰	۱۰۰	

وضعیت تحصیلات: از لحاظ تحصیلات (۳٫۵٪) بی‌سواد، (۲۰٫۵٪) سیکل، (۲۹٫۵٪) دیپلم، (۱۴٫۵٪) فوق دیپلم، (۲۲٫۸٪) لیسانس و (۶٫۵٪) نیز فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. جدول شماره (۵) گویای وضعیت تحصیلات پاسخ‌گویان است.

جدول شماره (۵). وضعیت تحصیلات پاسخ‌گویان

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بی‌سواد	۱۴	۳٫۵	۳٫۵
سیکل	۸۳	۲۰٫۵	۲۴
دیپلم	۱۱۸	۲۹٫۵	۵۳٫۵
فوق دیپلم	۵۸	۱۴٫۵	۶۸
لیسانس	۹۱	۲۲٫۸	۹۰٫۸
فوق لیسانس و بالاتر	۲۶	۶٫۵	۹۷٫۳
بی‌پاسخ	۱۱	۲٫۷	۱۰۰
مجموع	۴۰۰	۱۰۰	

وضعیت اشتغال: برای بررسی وضعیت شغلی شرکت‌کنندگان در پژوهش از (۷) گویه آزاد، دانشجوی یا محصل، کارگر، خانه‌دار، کارمند، بیکار و سایر استفاده شده است. از لحاظ فعالیت نیز (۳۲٫۵٪) افراد شغل آزاد، (۱۷٫۸٪) دانشجوی یا محصل، (۸٫۸٪) کارگر، (۱۱٪) خانه‌دار، (۱۳٪) کارمند، (۱۰٪) بیکار و (۴٫۵٪) نیز سایر را انتخاب نموده‌اند.

مدت سکونت: بررسی وضعیت مدت سکونت شرکت‌کنندگان در پژوهش گویای این موضوع است که بیشتر شرکت‌کنندگان تازه‌واردان مناطق (۱۱) و (۱۲) هستند که کمتر از (۵) سال در این مناطق سکونت داشته‌اند. همچنین بیانگر این موضوع است که مسکن‌های این مناطق بیشتر اجاره‌ای و رهنی هستند. آمار مدت سکونت پاسخ‌گویان به این شکل است

که (۴۰٫۵٪) کمتر از (۵) سال، (۲۲٫۵٪) ۱۰-۵ سال، (۱۶٫۵٪) ۲۰-۱۰ سال، (۴٪) ۳۰-۲۰ سال و (۱۰٫۳٪) نیز بالای ۳۰ سال در این منطقه اقامت داشته‌اند.

بعد خانوار: طبق آمار بعد خانوار پاسخ‌دهندگان، (۱۶٫۵٪) دو نفر، (۱۷٫۸٪) سه نفر، (۳۷٪) چهار نفر، (۱۵٫۳٪) پنج نفر و (۷٫۵٪) بیشتر از (۵) نفر می‌باشند.

سنجش کیفیت زندگی از دیدگاه ساکنان

آزمون T تک نمونه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک نمونه از جامعه وجود دارد و محقق بخواهد میانگین آن را با یک حالت معمول و رایج استاندارد و یا حتی یک عدد مورد انتظار مقایسه کند (نایبی، ۱۳۸۸: ۱۹)؛ به عبارت دیگر، زمانی که محقق قصد داشته باشد میانگین یک متغیر در پژوهش را با یک میانگین تعیین شده مقایسه کند از آزمون T تک نمونه‌ای بهره می‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۴: ۲۲۲). در این پژوهش برای آزمون T میانگین نمونه با مقدار (۳) که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است مورد مقایسه قرار می‌گیرد. چنانچه میانگین هر کدام از ابعاد پژوهش بیشتر از مقدار (۳) باشد و دارای اختلاف معنی‌داری با این مقدار تعیین شده باشد ($P < 0.05$)، نشان می‌دهد که سطح کیفیت زندگی رضایت‌بخش است.

شاخص کل کیفیت زندگی ترکیبی از میانگین ابعاد یازده‌گانه کیفیت زندگی در این پژوهش است. برای وضعیت شاخص کل از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که معناداری در سطح (۹۵٪) می‌باشد. با توجه مقدار متوسط برآورد شده (۳) و میانگین به دست آمده از جامعه آماری (۲٫۴) و اختلاف منفی بین این دو، این نتیجه را نشان می‌دهد که شاخص کل کیفیت زندگی در وضعیت مناسبی قرار ندارد و فرض پایین بودن رضایت از کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه پذیرفتنی است. جدول شماره (۶) سطح رضایتمندی از شاخص کل کیفیت زندگی را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۶). آزمون T تک نمونه‌ای سطح رضایتمندی از ابعاد کیفیت زندگی

ارزش آزمون = ۳			سطح معناداری ۹۵٪		T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	بعد
بیشترین	کمترین	میانگین مشاهده شده	میانگین مشاهده شده	انحراف معیار					
-۰,۳۰۵	-۰,۴۳۲۹	۲,۶۳۵۶	-۰,۳۶۴۴۴	۰,۶۰۴۴۶	-۱۲,۰۵۸	۳۹۹	۰,۰۰۰	اجتماعی- فرهنگی	
-۰,۹۳۲۱	-۱,۰۹۱۶	۱,۹۸۸۱	-۱,۰۱۱۸۸	۰,۸۱۱۱۲	-۲۴,۹۵	۳۹۹	۰,۰۰۰	اقتصادی	
-۰,۳۴۳۴	-۰,۵۲۹۵	۲,۵۶۳۵	-۰,۴۳۶۴۶	۰,۹۴۰۹۴	-۹,۲۱۹	۳۹۴	۰,۰۰۰	امنیت	
-۰,۰۵۵۵	-۰,۲۱۸	۲,۸۶۳۳	-۰,۱۳۶۷۳	۰,۷۹۸۲۶	-۳,۳۰۸	۳۷۲	۰,۰۰۱	دسترسی به مراکز روزانه	
-۰,۰۲۵۷۷	-۰,۴۲۸۸	۲,۶۵۶۸	-۰,۳۴۳۲۴	۰,۸۳۶۷۷	-۷,۸۹	۳۶۹	۰,۰۰۰	دسترسی به مراکز تفریحی	
-۰,۴۷۵	-۰,۶۴۷۳	۲,۴۳۸۹	-۰,۵۶۱۱۱	۰,۸۳۱۱۳	-۱۲,۸۰۹	۳۵۹	۰,۰۰۰	دسترسی به مراکز آموزشی	
-۰,۵۹۵۵	-۰,۷۳۵۲	۲,۳۳۴۷	-۰,۶۶۵۳۲	۰,۶۸۴۲۸	-۱۸,۷۲۸	۳۷۰	۰,۰۰۰	زیست محیطی	
-۰,۰۷۴۳	-۰,۲۵۷۳	۲,۸۳۴۲	-۰,۱۶۵۸۲	۰,۹۲۳۷۲	-۳,۵۶۳	۳۹۳	۰,۰۰۰	زیرساخت‌های شهری	
-۰,۵۵۰۸	-۰,۷۰۳	۲,۳۷۳۱	-۰,۶۲۶۸۸	۰,۷۶۵۶۷	-۱۶,۱۸۹	۳۹۰	۰,۰۰۰	مسکن	
-۰,۳۴۶۷	-۰,۴۹۱۶	۲,۵۸۰۸	-۰,۴۱۹۱۵	۰,۷۲۸۲۳	-۱۱,۳۸۱	۳۹۰	۰,۰۰۰	حمل و نقل و ترافیک	
-۰,۰۶۲۲۵	-۰,۸۳۶۳	۲,۲۴۵۶	-۰,۷۵۴۴۲	۰,۸۲۰۶۳	-۱۸,۱۰۸	۳۸۷	۰,۰۰۰	حکروایی شهری	
-۰,۵۳۳۷	-۰,۶۵۶۲	۲,۴۰۵	-۰,۵۹۴۹۶	۰,۶۲۲۹۸	-۱۹,۱	۳۹۹	۰,۰۰۰	شاخص کل	

نوع و میزان بزه سرقت در بخش مرکزی و شهر تهران

در جمع‌بندی مجموع جرائم ارتكابی مرتبط با سرقت در محدوده شهر تهران (۱۶۶۶ مورد) به وقوع پیوسته است. این جرائم در دو دسته کلی جرائم سرقت به عنف، شرارت و باج‌گیری قرار گرفت. در جدول شماره (۷) نوع و میزان این جرائم آورده شده است.

جدول شماره (۷). نوع و میزان جرائم ارتكابی مرتبط با سرقت شهر تهران و محدوده مورد مطالعه

نوع جرم	تفکیک نوع جرم	تعداد در محدوده مورد مطالعه	تعداد در تهران بزرگ
	توسط افراد پیاده	۴	۱۱
	توسط اتومبیل سوار	۷	۳۹
	توسط موتورسوار	۲۹۶	۹۱۸
	سایر موارد	۷۵	۲۳۰
	سرقت سواری شخصی	۲	۱۲
	سرقت احشام و طیور احشام	۰	۲
	طلافروشی	۰	۵
سرقت به عنف	سرقت مغازه صوتی و تصویری	۱	۱
	سایر موارد	۱	۶
	سرقت موتورسیکلت شخصی	۱	۴
	محتویات داخل	۱	۳
	سرقت قطعات و لوازم خودرو وسایل و قطعات	۱	۳
	پلاک موتور	۰	۱
	تلفن همراه	۹	۲۹
	سایر موارد سیم و کابل برق	۰	۱
	سایر موارد	۱	۳
	با ورود زوری به منزل	۰	۱
	در پوشش مسافر	۷	۳۰
شرارت و باج‌گیری	با توقف ماشین	۳	۱۳
	در پوشش مأمور	۰	۸
	سایر موارد	۸۳	۳۴۶

منبع: نیروی انتظامی تهران بزرگ، ۱۳۸۸.

بررسی جرائم مورد بررسی در محدوده شهر تهران نشان می‌دهد که در بین این جرائم، کیف‌قاپی توسط موتورسوار با تعداد (۹۱۸) مورد معادل (۵۵٫۱٪) بیشترین فراوانی را در بین جرائم دارد. بزه سرقت مغازه با تعداد (۱۲) مورد معادل کمتر از یک درصد (۰٫۷۲٪) در رتبه آخر قرار دارد. جدول شماره (۸) درصد و نسبت درصد جرائم مرتبط با سرقت محدوده مورد مطالعه را با کل جرائم مرتبط با سرقت در تهران را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۸). مقایسه تطبیقی جرائم محدوده مورد مطالعه با کل جرائم سرقت تهران

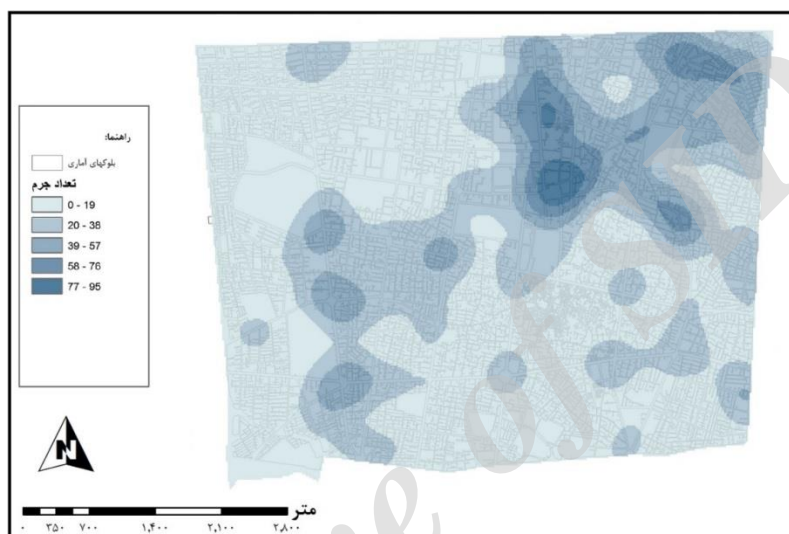
نوع جرم	تعداد در محدوده مورد مطالعه	تعداد در تهران بزرگ	درصد در کل جرائم تهران	درصد در محدوده مورد مطالعه	درصد در تهران بزرگ	اختلاف نسبی
کیف‌قاپی توسط افراد پیاده و سایر	۷۹	۲۴۱	۱۴/۴۷	۱۶/۱۱	۱۴/۵	بیشتر
کیف‌قاپی توسط اتومبیل سوار	۷	۳۹	۲/۳۴	۱/۴۲	۲/۳	کمتر
کیف‌قاپی توسط موتورسوار	۲۹۶	۹۱۸	۵۵/۱	۶۰/۱۶	۵۵/۱	بیشتر
سرقت سواری، موتورسیکلت، قطعات و لوازم خودرو	۵	۲۳	۱/۳۸	۱	۱/۴	کمتر
سرقت مغازه	۲	۱۲	۰/۷۲	۰/۴۱	۰/۷	کمتر
سرقت تلفن همراه و سایر	۱۰	۳۵	۲/۱	۲	۲	مساوی
شرارت و باج‌گیری	۹۳	۳۹۸	۲۳/۸۹	۱۸/۹	۲۳/۹	کمتر
مجموع	۴۹۲	۱۶۶۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: نیروی انتظامی تهران بزرگ، ۱۳۸۸

آزمون تخمین تراکم کرنل

آزمون تخمین تراکم کرنل یکی از مناسب‌ترین روش‌ها برای به تصویر کشیدن داده‌های بزهکاری به صورت پیوسته است. آزمون تخمین تراکم کرنل سطح همواری از تغییرات در تراکم نقاط جرم روی محدوده ایجاد می‌کند. بر اساس روش یادشده و به منظور تشخیص کانون‌های جرم‌خیز در محدوده بخش مرکزی شهر تهران این محاسبات با استفاده از مجموعه ابزارهای Spatial Analyst Tools و ابزار Kernel Density در محیط ArcGIS انجام گرفت و نتیجه آزمون در نقشه شماره (۲) آورده شده است.

با بررسی توزیع فضایی کل جرائم مرتبط با سرقت (۴۹۲ مورد) در محدوده بخش مرکزی شهر تهران و بر اساس تراکم کرنل، نشان می‌دهد که توزیع جرائم مورد بررسی در این محدوده به صورت خوشه‌ای گردآمده است، به عبارت دیگر بخش‌هایی از محدوده مورد مطالعه با میزان بالای بزهکاری (محدوده‌های ناهنجار) مواجه است و به عکس در دیگر محدوده‌ها فاقد جرائم مورد بررسی بوده است.



نقشه شماره (۲). تراکم کرنل کانون‌های جرم‌خیز تمامی جرائم مرتبط با سرقت

تأثیر جرم بر کیفیت زندگی با استفاده از رگرسیون وزنی جغرافیایی^۱

رگرسیون یکی از فن‌های پیچیده آماری به حساب می‌آید که برای پیش‌بینی یا تبیین بین متغیرها استفاده می‌شود. کاربردهای رگرسیون فضایی بسیار گسترده بوده و تقریباً کلیه زمینه‌هایی که رگرسیون‌های معمولی در آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌توانند تا آنجا که عنصر فضا و مکان از اهمیت برخوردار است، مورد استفاده قرار گیرند. در حوزه بهداشت و تحلیل عوامل مؤثر بر انواع بیماری‌ها و پخش و سرایت بیماری‌ها و اختلالات بهداشتی و روانی از رگرسیون‌های فضایی به میزان زیادی استفاده می‌شود. به عنوان مثال اینکه چرا بیماری‌های خاصی در مناطق خاصی شیوع دارند را می‌توان از طریق رگرسیون‌های فضایی تجزیه و تحلیل نمود و عوامل مؤثر بر آن‌ها را شناسایی کرد. این رگرسیون‌ها همچنین

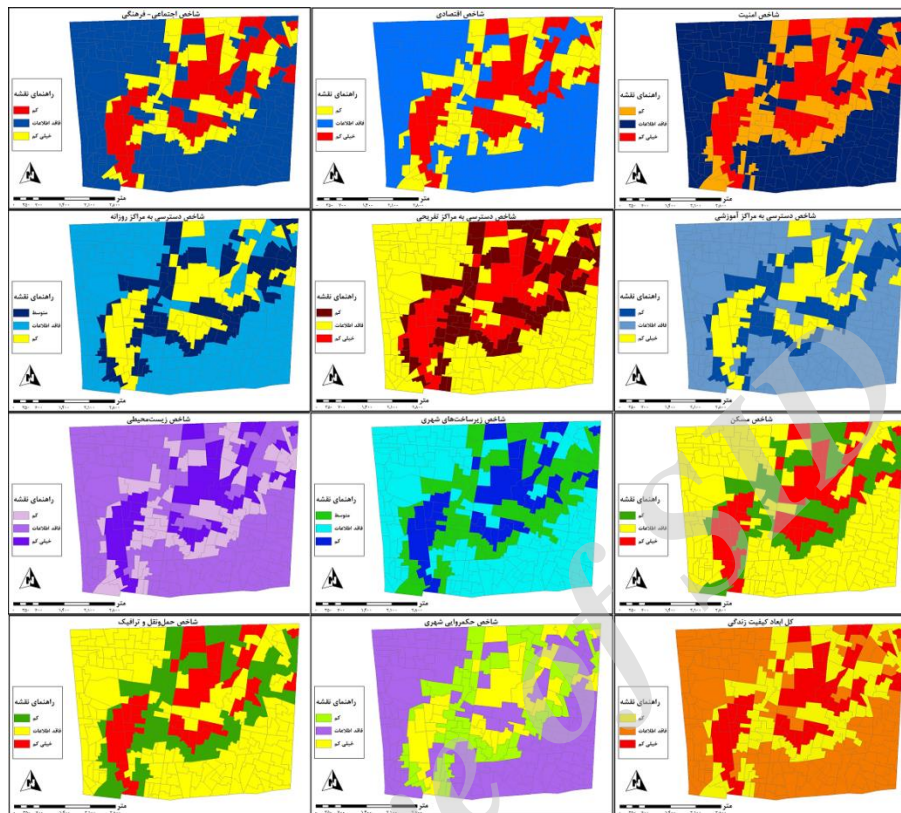
1- Geographically Weighted Regression (GWR)

کاربردهای مفیدی در زمینه‌های مدیریت بحران و امنیت و ایمنی دارند. به‌طور اصولی ارتباط تنگاتنگی بین مکان‌هایی که در آن‌ها حوادث و سوانح و جرائم رخ می‌دهند و نوع جرائم و اثرات آن‌ها وجود دارد. رگرسیون‌های فضایی به ما کمک می‌کنند که این عوامل را بهتر بشناسیم و میزان تأثیرگذاری آن‌ها را مشخص نماییم (عسگری، ۱۳۹۰: ۱۲۵). برای بررسی تأثیر جرم بر میزان کیفیت زندگی در بخش مرکزی (مناطق ۱۱ و ۱۲) شهر تهران، ابزار رگرسیون وزنی جغرافیایی (GWR) از مجموعه آمار فضایی استفاده شده است و برای هر شاخص میزان تأثیر به همراه نقشه تولید شده ارائه می‌شود. نتایج حاصل از جدول شماره (۹)، شاخص‌های کیفیت زندگی و تأثیر جرم بر ابعاد کیفیت زندگی در این شاخص‌ها را تأیید می‌کند. نقشه شماره (۳) پراکنش فضایی جرم و تأثیر آن بر ابعاد کیفیت زندگی در بلوک‌های آماری را نشان می‌دهد. بر اساس این نقشه سطح کیفیت زندگی در مرکز کانون‌های جرم‌خیز خیلی پایین است و هر چه که از این کانون‌های جرم‌خیز دور می‌شویم در سطح کیفیت زندگی تغییرات چشمگیری ایجاد می‌شود و تا سطح متوسط بالا می‌آید.

جدول شماره (۹). برآورد مدل رگرسیون وزنی جغرافیایی (GWR) در توزیع پهناهای جرم و تأثیر بر

ابعاد کیفیت زندگی

متغیر	p-value	طول باند	Sigma	AICc	R ²	R ² تعدیل شده
اجتماعی - فرهنگی	-۲,۵ _ +۲,۵	۵۵۶,۹۷۷	۲۷۴,۶۵۷	۳۴۶۰,۰۸۵	۰,۸۶	۰,۴۱۳
اقتصادی	-۲,۵ _ +۲,۵	۶۳۵,۶۲	۲۸۷,۲۶۵	۳۳۷۰,۳۲۸	۰,۸۵۳	۰,۳۵۸
امنیت	-۲,۵ _ +۲,۵	۵۸۲,۲۳۹	۲۷۶,۱۲۷	۳۴۵۸,۷۸۸	۰,۸۸۳	۰,۴۰۷
دسترسی به مراکز روزانه	-۲,۵ _ +۲,۵	۵۸۶,۴۷۳	۲۷۴,۰۴۳	۳۴۵۳,۸۴۳	۰,۸۸۶	۰,۴۱۶
دسترسی به مراکز تفریحی	-۲,۵ _ +۲,۵	۵۹۲,۲۶۶	۲۷۸,۷۱۴	۳۴۶۰,۲۱۶	۰,۸۷	۰,۳۹۶
دسترسی به مراکز آموزشی	-۲,۵ _ +۲,۵	۵۶۱,۰۰۸	۲۷۳,۲۷۴	۳۴۵۸,۶۸۴	۰,۹۰۵	۰,۴۱۹
زیست‌محیطی	-۲,۵ _ +۲,۵	۵۷۲,۹۴۱	۲۷۰,۸۴۹	۳۴۵۰,۶۴۶	۰,۹۰۳	۰,۴۲۹
زیرساخت‌های شهری	-۲,۵ _ +۲,۵	۵۸۱,۴۵	۲۸۴,۳۶۵	۳۴۷۲,۸۷۱	۰,۹۶۱	۰,۳۷۱
مسکن	-۲,۵ _ +۲,۵	۵۶۵,۹۴۵	۲۷۱,۹۸۷	۳۴۵۶,۶۵۴	۰,۸۶۱	۰,۴۲۴
حمل‌ونقل و ترافیک	-۲,۵ _ +۲,۵	۵۵۶,۶۳۵	۲۷۲,۴۷۸	۳۴۵۸,۶۶۵	۰,۹۱	۰,۴۲۲
حکمرانی شهری	-۲,۵ _ +۲,۵	۵۸۶,۸۳۳	۲۷۲,۸۴۸	۳۴۵۴,۰۱۵	۰,۸۹۵	۰,۴۲۱
کل ابعاد کیفیت زندگی	-۲,۵ _ +۲,۵	۵۹۶,۶۴۸	۲۸۱,۹۳۶	۳۴۶۵,۶۲۶	۰,۸۶	۰,۳۸۲



نقشه شماره (۳). پراکنش فضایی جرم و تأثیر آن بر ابعاد کیفیت زندگی

روند الگوی رگرسیون در تعیین توزیع الگوی جرم و تأثیر آن بر ابعاد کیفیت زندگی در بخش مرکزی شهر تهران، نشان می‌دهد که خروجی پارامترهای مدل به میزان بالایی پیش‌بینی موردنظر را تأیید می‌کند. مهم‌ترین مقادیر در اینجا مقادیر R^2 و R^2 تعدیل‌شده ($Adjusted R^2$) است که در حقیقت بیانگر خوبی و دقت مدل مورد استفاده است. هر چه این مقادیر به عدد (۱) نزدیک‌تر باشد، به معنای آن است که متغیرهای توصیفی مورد استفاده توانسته‌اند به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. در این بین با توجه به ضریب بالای R^2 در بین تمامی ابعاد کیفیت زندگی می‌توان گفت جرم بر شاخص‌های کیفیت زندگی به میزان زیادی تأثیر داشته است و باعث پایین آمدن کیفیت زندگی در این پهنه‌ها شده است.

نتیجه‌گیری

جرم و جنایت یکی از مشکلاتی است که گریبان‌گیر تمام جوامع بوده و هر یک از جوامع مقادیر زیادی از ثروت و سرمایه انسانی خود را صرف مبارزه با این پدیده اجتماعی کرده‌اند. در واقع بزهکاری پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط‌های اجتماعی مختلف به شکل‌های متفاوتی در قالب سرقت‌های مسلحانه، قتل، جرائم جنسی و غیره دیده می‌شود. منشأ این اختلافات را باید در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و نابسامانی‌های حاصل از آن‌ها جستجو کرد که در صورت وجود بستر مکانی و زمانی مساعد زمینه بروز جرم و تکرار آن را فراهم می‌کنند و به‌مرور زمان محیط جغرافیایی را به کانون جرم‌خیز تبدیل می‌کند. مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده و منطقی عمل می‌کنند و مکان‌هایی را جهت اعمال مجرمانه خود برمی‌گزینند که امنیت بیشتری برای ارتکاب بزه داشته باشند. از این‌رو ویژگی‌ها و ساختار محیط، به‌ویژه محیط‌های شهری در بروز جرائم مختلف تأثیر بسزایی دارند و تغییر در این ساختار مکانی و شرایط محیطی به تغییر در الگوهای رفتاری مجرمین منجر خواهد شد؛ بنابراین سه عامل مکان، زمان و انسان در شکل‌گیری اعمال مجرمانه نقش اساسی دارند به‌گونه‌ای که تفاوت در مکان و خصوصیات رفتاری موجب می‌شود تا نوع و میزان بزهکاری در محدوده شهر الگوهای فضایی و زمانی متفاوتی به خود بگیرد. از جمله نمود جرائم در فضاهای شهری که کیفیت زندگی و احساس امنیت شهروندان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد وقوع جرائم مرتبط با سرقت است. یکی از راهکارهای کاهش رفتارهای مجرمانه، شناخت درست از کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی همان خوش‌زیستی افراد یک جامعه است. در واقع کیفیت زندگی صرف‌نظر از کمی‌ها و کاستی‌ها و مشکلاتی که در هر جامعه‌ای وجود دارد، به‌طور کلی رضایتمندی انسان‌ها را ارزیابی می‌کند. امروزه بسیاری از فضاهای بی‌دفاع شهری تبدیل به کانون‌های بزهکاری شده که علاوه بر آسیب‌های مستقیم، احساس امنیت مردم را نیز کاهش داده است و اصلاح این‌گونه فضاها از طریق طراحی محیطی گامی در افزایش کیفیت زندگی شهروندان است. در این میان تحلیل فضایی کیفیت زندگی و بزهکاری در کانون‌های جرم‌خیز راهکاری مؤثر برای افزایش سطح کیفیت زندگی در این بافت‌ها و کنترل و پیشگیری از شکل‌گیری و گسترش کانون‌های جرم‌خیز شهری است. این تحلیل‌ها به مدیریت شهری و سایر

مسئولان ایمنی شهر از جمله مسئولان قضایی و انتظامی این امکان را می‌دهد که با اقدامات پیشگیرانه که شامل شناسایی محدوده‌های جرم‌خیز شهر در آینده، ارائه راهکارهایی برای ایمن‌سازی و بهبود شرایط فعلی و اقدام‌های کنترلی و ساماندهی در کانون‌های جرم‌خیز فعلی که با درک علل بروز جرم از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی همراه است، تصمیمات لازم را برای از بین بردن و یا کاهش اثرات این عوامل در سطح شهر اتخاذ نمایند. بدیهی است اقدامات پیشگیرانه به لحاظ اقتصادی، اجتماعی از کارایی بسیار بالایی برخوردار است. مسئله‌ای که در این پژوهش به آن پرداخته شد، تأثیرگذاری جرم بر سطح کیفیت زندگی در بافت‌های ناکارآمد شهری بود که کاهش میزان جرائم، می‌تواند در رسیدن به هدف اصلی برنامه‌ریزان، یعنی بهبود کیفیت زندگی کمک کند. نتایج پژوهش نشان داد که حوزه‌هایی که در کانون‌های جرم‌خیز قرار دارند از نظر برخورداری از سطح کیفیت زندگی نسبت به دیگر حوزه‌ها که جرائم ارتكابی کمتری وقوع یافته است شکاف قابل‌توجهی وجود دارد. به‌نوعی بافاصله گرفتن از کانون‌های جرم‌خیز و کاهش جرائم سطح کیفیت زندگی افزایش یافته است و تأثیرگذاری جرائم بر سطح کیفیت زندگی در کانون‌های جرم‌خیز به‌مراتب بیشتر از سایر حوزه‌ها است. آنچه مشخص شد و این پژوهش در پی کشف آن بود، این بود که حوزه‌هایی با جرائم ارتكابی بیشتر، از لحاظ کیفیت زندگی، در شرایط بدتری قرار دارند. آنچه از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت، اینکه هرچه تعداد و میزان جرائم ارتكابی بیشتر شود نقش چشمگیرتری در سطح کیفیت زندگی دارد. در این پژوهش مشخص شد که سطح کیفیت زندگی افرادی که در مغز کانون‌های جرم ساکن هستند تأثیر بسیار زیادی از جرائم می‌پذیرند و دارای کیفیت زندگی به‌مراتب پایین‌تری نیز هستند، اما با فاصله‌گیری از این کانون‌ها میزان تأثیر جرائم بر سطح کیفیت زندگی کمتر و کمتر می‌شود.

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به تحلیل یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش و به‌منظور کاهش نرخ بزهکاری و افزایش سطح کیفیت زندگی در کانون‌های جرم‌خیز بخش مرکزی شهر تهران، پیشنهادهایی در جهت کنترل و مقابله با ناهنجاری‌های مرتبط با سرقت و ارتقاء کیفیت

زندگی تهیه شده است. برخی از این پیشنهادها به سازمان‌های تصمیم‌گیرنده و اجرایی بازمی‌گردد و برخی دیگر شامل پیشنهادهایی است که جنبه مکانی و کالبدی دارند و مبتنی بر مقاومت‌سازی کانون‌های جرم‌خیز شهری است.

- از بین بردن بی‌نظمی‌های کالبدی و به هم ریختگی‌های فیزیکی همانند محله‌های کثیف، دیوارهای ترک‌خورده، ساختمان‌های مخروبه که به نوعی باعث جذب بزهکاران و اعمال غیرقانونی آن‌ها می‌شود؛
- اتخاذ سیاست‌های مناسب توسعه شهری جهت توانمندسازی و تعادل بخشی به این مناطق و رفع مشکلات و موانع ساختاری کانون‌های جرم‌خیز؛
- اتخاذ راهبردهای مناسب مقاومت‌سازی فضاها کالبدی کانون‌های جرم‌خیز در برابر بزهکاری؛
- ارتقاء کیفیت سکونت از طریق اعطاء برخی امکانات و تسهیلات و سعی در تطبیق منازل و محلات با اصول و معیارهای شهرسازی؛
- سرمایه‌گذاری در این مناطق به صورت تفریحی و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت و بدون توجه به توجیه اقتصادی و درآمدزایی برای دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله شهرداری‌ها؛
- کاهش کاربری‌های غیرفعال در محلات مناطق (۱۱) و (۱۲) شهر تهران و افزایش فعالیت‌ها جهت پویایی و حضور مردم در سطح محله‌ها و جانمایی کاربری‌های خرد، جذاب و پرمخاطب (مانند دکه‌های روزنامه‌فروشی و...)
- ایجاد روشنایی کافی در کوچه‌ها و معابر؛
- ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم درون بافت محلات جهت پر کردن اوقات فراغت جوانان؛
- تعطیلی سریع مراکز صنفی فاقد مجوز و پروانه کسب و الزام آن‌ها جهت اخذ مجوزهای لازم به همراه نظارت کامل و دقیق نسبت به فعالیت مراکز یادشده؛
- همراه‌سازی و تشویق ساکنین بخش مرکزی در قالب مشارکت در امر پیشگیری و تأمین امنیت اجتماعی؛

- تغییر در طراحی خرده فضاهای بی دفاع و فاقد دید بصری که بنا بر علل مختلف از جمله علل کالبدی؛
 - ساماندهی ساختمان‌ها و فضاهای رهاشده در سطح محله‌های مناطق (۱۱) و (۱۲)؛
 - جداسازی کاربری‌های سازگار و ناسازگار از هم و افزایش نقش‌های فرهنگی-اجتماعی، گردشگری و پذیرایی با تکیه بر هویت تاریخی و کالبدی و رونق بخشیدن به فضاهای کور و بی دفاع؛
 - احداث معابر و گذرگاه‌ها در این مناطق جهت ایجاد امکان دسترسی آسان و فوری پلیس، نیروهای امنیتی و اکیپ‌های امدادی؛
 - فراهم کردن خدمات و زیرساخت‌های مطلوب، ساماندهی سرانه‌های تأسیساتی، تجهیزاتی و خدمات موردنیاز ساکنین این مناطق و برقراری تعادل و توازن در نوع و ترکیب کاربری‌ها؛
 - تعیین تکلیف ساختمان‌های مخروبه، زمین‌های بلااستفاده، اراضی قهوه‌ای و رهاشده (پاک‌سازی یا بازسازی) در سطح مناطق (۱۱) و (۱۲) شهر تهران؛
 - بهسازی، نوسازی و بازسازی قریب به اتفاق ساختمان‌های مناطق (۱۱) و (۱۲) در بخش مرکزی شهر تهران؛
 - زیباسازی ظواهر ساختمان‌ها و بناهای موجود؛
 - رفع موانع مسدودکننده پیاده‌روها و تعریض معابر.
- با عنایت به مشکلات متعدد در محدوده‌های یادشده از نظر کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و به‌منظور کاهش میزان جرائم و ارتقای سطح کیفیت زندگی در کانون‌های جرم‌خیز، به نظر می‌رسد سیاست‌های ساماندهی و توانمندسازی در ساخت‌وسازهای کالبدی و توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنین در دستور کار مدیران شهری و سایر مسئولان و برنامه‌ریزان قرار گیرد، بیشتر متمرکز خواهد شد.

منابع

- ابدالی، یعقوب (۱۳۹۶). تحلیل فضایی کیفیت زندگی و بزهکاری در بافت‌های ناکارآمد شهری (مورد مطالعه: بخش مرکزی تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- جیسون، سوزان؛ ویلسون، پل (۱۳۸۷). طراحی محیط جرم ستیز، ترجمه محسن کلانتری، ابوزر سلامی بیرامی. چاپ دوم. زنجان: نشر آذر کلک.
- حاتمی نژاد، حسین؛ پوراحمد، احمد؛ منصوریان، حسین؛ رجایی، عباس (۱۳۹۲). تحلیل مکانی شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر تهران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۴، ص: ۲۹-۵۶.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- روحی، مهدی (۱۳۸۱). بررسی تحولات کالبدی بخش مرکزی شهر تهران با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی، مورد مطالعه منطقه ۱۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- زیاری، کرامت‌الله؛ فرهادی خواه، حسین؛ کلانتری، محسن (۱۳۹۵). بررسی فضاهای بی‌دفاع شهری در سطح محله (مورد مطالعه: محله هرندی تهران). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال ۴، شماره ۱۵، ص: ۲۹-۵۶.
- شکویی، حسین (۱۳۹۱). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری (جلد اول). چاپ پانزدهم. تهران: انتشارات سمت.
- عسگری، علی (۱۳۹۰). تحلیل آمار فضایی با ArcGIS. انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران. تهران: شهرداری تهران.
- فرجی ملایی، امین (۱۳۸۹). تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی و برنامه‌ریزی برای بهبود آن مورد مطالعه: شهر بابلسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. تهران: دانشگاه تهران.
- کریمی، رامین (۱۳۹۴). راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS. تهران: نشر هنگام.
- کلانتری، محسن (۱۳۸۰). بررسی جغرافیای جرم و جنایت در مناطق شهر تهران. پایان‌نامه دوره دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی دکتر محمدتقی رهنمایی. دانشگاه تهران: دانشکده جغرافیا.
- کلانتری، محسن؛ توکلی، مهدی (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری، فصلنامه پیشگیری از جرم، دوره ۲، شماره ۲: ۷۵-۱۰۰.

- کلانتری، محسن؛ حیدریان، مسعود؛ محمودی، عاطفه (۱۳۸۹). ایمن‌سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی. فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۱۲، شماره ۳: ۵۱-۷۴. تهران: ناجا.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. قابل‌دسترسی از طریق سایت: www.amar.org.ir.
- نایی، هوشنگ (۱۳۸۸). آمار توصیفی برای علوم اجتماعی. تهران: انتشارات سمت.
- نیروی انتظامی تهران بزرگ، پلیس پیشگیری (۱۳۸۸). جرائم ثبت‌شده مرتبط با سرقت در مراکز کلانتری‌های محدوده مناطق ۱۱ و ۱۲ شهرداری تهران. (منتشر نشده).
- Bramston, P., Pretty, G. and Chipuer, H. (2002). Unravelling subjective quality of life: An investigation of individual and community determinants, *Social Indicators Research*, 59.
- Bratton, W., & Knobler, P. (2009). *The Turnaround: How America's top cop reversed the crime epidemic*. Random House.
- Brereton, F., Clinch, J.P. and Ferreira, S. (2008). Happiness, geography and the environment, *Ecological Economics*, 65(2).
- Costanza, R., Fisher, B., Ali, S., Beer, C., Bond, L., Boumans, R., ... & Gayer, D. E. (2007). Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being. *Ecological economics*, 61(2), 267-276.
- Das, D. (2008). Urban quality of life: A case study of Guwahati. *Social Indicators Research*, 88(2), 297-310.
- Foo, T. S. (2000). Subjective assessment of Urban quality of life in Singapore, *Habitat international*, 24, pp31-49.
- Guan, T. Cheng (2012). *Human Security*, Leiden: Springer.
- Hipp, J. R., & Kane, K. (2017). Cities and the larger context: What explains changing levels of crime? *Journal of criminal justice*, 49, 32-44.
- Liu, S., & Zhu, X. (2004). An integrated GIS approach to accessibility analysis. *Transactions in GIS*, 8(1), 45-62.
- Mathew, P. V., & Sreejesh, S. (2017). Impact of responsible tourism on destination sustainability and quality of life of community in tourism destinations. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 31, 83-89.
- McCrea, R., Shyy, T. K., & Stimson, R. (2006). What is the strength of the link between objective and subjective indicators of urban quality of life? *Applied research in quality of life*, 1(1), 79-96.

- Ratcliffe, J. H. (2004). The hotspot matrix: A framework for the spatio-temporal targeting of crime reduction. *Police practice and research*, 5(1), 5-23.
- Seik, F. T. (2000). Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998). *Habitat International*, 24(1), 31-49.
- Sherman, L. W., Gartin, P. R., & Buerger, M. E. (1989). Hot spots of predatory crime: Routine activities and the criminology of place. *Criminology*, 27(1), 27-56.
- Ulengin, B., Ulengin, F & Guvenc, U (2001). A multidimensional approach to urban quality of life: the case of Istanbul. *European Journal of Operational Research*, 130 (2): 361- 374.
- Weisburd, D., Lum, C., & Yang, S. M. (2004). The criminal careers of places: A longitudinal study. University of Maryland.

Archive of SID